



اخلاق زمامداران؛ رمز پیشرفت جهان اسلام

می‌کند. در دیگر نظام‌ها و تئوری‌های مطرح شده، از مسأله پیوند اخلاق و سیاست، استفاده ابزاری شده است. در یونان باستان و آتن، سوفیست‌ها، اخلاق و سیاست را دو پدیده متعین دیده‌اند اما به نسبی‌گرایی اخلاق رسیدند.

زمامداران و سیاست‌مداران در طول تاریخ به‌عمد از جدایی سیاست و دین (فی‌الجملة اخلاق) سخن گفته‌اند اما دین اسلام با ترکیب اخلاق و سیاست بر لزوم اخلاقی‌بودن زمامداران تأکید فراوانی دارد. خداوند متعال، حضرت محمد ﷺ را اسوه حسنه می‌خواند و او را دارای خلق عظیم می‌داند: «و إنک لعلی خلق عظیم». اخلاق زمامداری را می‌توان در حکومت حضرت محمد ﷺ و ۵ سال حکومت حضرت علی ﷺ و در رفتار و کردار منصوبان آن‌ها دید. پیامبر اسلام ﷺ در شیوه کسب قدرت مطابق اخلاق انسانی عمل می‌کرد و هرگز از نیرنگ و فریب بهره نمی‌گرفت، به تدوین منشور یا قانون اساسی همت گماشت و در تمام مراحل زندگی سیاسی خود عالی‌ترین مضامین اخلاقی و دینی را به نمایش گذاشت همان گونه که نایب بر حقش مولا علی ﷺ نیز فرازهای باشکوهی از اخلاق زمامداری را به منصفه ظهور رسانید. البته بایستی حساب زمامداران بی‌اخلاق داعیه‌دار حکومت اسلامی را از سیره و رویه این دو بزرگوار جدا دانست. خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس گرچه داعیه‌دار خلافت و جانشینی پیامبر ﷺ بودند، هیچ‌گاه نتوانستند حتی ذره‌ای از منش و روش آن بزرگوار را اجرایی کنند؛ چراکه هیچ التزامی به قیده‌های اخلاقی و رفتاری نداشتند. در طول تاریخ نیز همین مصیبت تکرار شد و تا دوران کنونی هم حاکمانی چون صدام و قذافی و دیگر حاکمان کشورهای اسلامی که خود را داعیه‌دار اجرای حکومت نبوی دانسته و می‌دانند، هیچ نشانی از شاخصه‌های آن دولت بی‌نظیر را نداشته و ندارند؛ چراکه به اخلاق زمامداری پایبند نبوده و نیستند، البته تنها در ایران، حکومتی مبتنی بر آموزه‌ها و سیره پیامبر گرامی اسلام و حکومت علوی تشکیل شد و در رأس آن، رهبران متخلق قرار داشته و دارند هر چند در سطوح پائین‌تر در ادامه جامعه، ضعف‌های اساسی هنوز وجود دارد.

راه نجات جامعه اسلامی، از رهگذر اخلاق‌گرایی حاکمان آن می‌گذرد به امید روزی که اخلاق زمامداری در همه کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی حاکم شود. آمین.

اخلاق کارگزاری و بایسته‌های اخلاق کارگزاران به معنای آراسته‌شدن نفس مقام‌های سیاسی و اداری به خلق‌های پسندیده و زدودن خلق‌های ناپسند است. ناگفته پیداست که گرایش به قدرت، آثار بدی بر روح و روان زمامداران دارد و برای جلوگیری از آثار نامطلوب قدرت‌طلبی بر سطوح مختلف جامعه، باید بر لزوم اخلاق‌گرایی حاکمان و زمامداران تأکید شود. پیراستن نفوس و آراستن اخلاق، رمز مانایی انسان‌هاست همان‌گونه که خداوند در قرآن کریم، اخلاق نیکوی پیامبر ﷺ را باعث استحکام حکومت و جذب مردم ذکر می‌کند. رعایت این مهم برای همه انسان‌ها به‌ویژه حاکمان که الگوی یک جامعه به شمار می‌آیند، امری شایسته و بایسته است که بی‌توجهی به آن خطرهای جبران‌ناپذیری را برای جامعه به دنبال خواهد داشت. انصاف به مواردی مانند تزکیه، ایمان، تقوا، مناعت طبع، ساده‌زیستی، تواضع، پرهیز از قدرت‌طلبی و حب مال، انتقاد و انتقادپذیری، اهمیت‌دادن به بیت‌المال، پرهیز از کم‌کاری، خضوع در برابر قانون، رعایت عدالت و امانت، تعهد به موازین و معیارهای اسلامی، خوش‌برخوردی و دهما موارد دیگر را می‌توان از بایسته‌های اخلاقی یک کارگزار در دولت اسلامی دانست که با التزام به این عوامل و مؤلفه‌ها جامعه را نیز می‌توان به سوی اخلاقی‌شدن هدایت کرد. زمامدار خوب، مردم را نیز به سمت خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌ها سوق می‌دهد. به تعبیر حضرت امام خمینی، «این تزکیه و داشتن تقوا برای رؤسای جمهور و دولتمردان و متصدیان امور برحسب تصدی که دارند، بیش‌تر لازم است تا مردم عادی، چون عدم تزکیه و عدم تقوای سردمداران، باعث تباهی و فساد یک کشور می‌شود و تا تزکیه در رده‌های بالا حاصل نشود، مملکت اصلاح نخواهد شد.» زمامدار نمونه، حکومت را به‌خودی‌خود دارای ارزش ندانسته و زمامداری را هنگامی ارزشمند می‌یابد که در مسیر اهداف الهی قرار گیرد. علی ﷺ در این باره می‌فرماید: «خدایا! تو می‌دانی که من حکومت و ملک و ریاست را نخواستم، بلکه قیام به حدود تو و پاسداری از شرع و قراردادن امور بر سر جای خود و رساندن حقوق به اهلش، پیروی روش پیامبرت و ارشاد گمراهان به نور هدایت تو را خواهم.» این روش و رویه نظام سیاسی اسلام است که بر رعایت اخلاق‌گرایی زمامداران تأکید